

۱۱۶- هنگام سحر در هر شب از ماه رمضان

از ابوحمزه ثمالی روایت شده که: حضرت امام زین العابدین علیه السلام در ماه رمضان، بیشتر شب را نماز می‌خواند و هنگام سحر، این دعا را می‌خواند:

إِلَهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ، وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي حِيلَتِكَ، مِنْ أَيْنَ لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ؟ وَمِنْ أَيْنَ لِي النَّجَاةُ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ؟ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَحْسَنَ اسْتَعْنَى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَجْتَرَا عَلَيْكَ وَلَمْ يَرْضَكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

خدای من، مرا به کیفیت ادب نکن و با نقشه با من چاره‌اندیشی نداشته باش، پروردگارا از کجا برایم خیری هست، درحالی‌که جز نزد تو یافت نمی‌شود و از کجا برایم نجاتی است، درحالی‌که جز به تو فراهم نمی‌گردد، نه آن‌که نیکی کرد از کمک و رحمت بی‌نیاز شد و نه آن‌که بدی کرد و بر تو گستاخی روا داشت و تو را خشنود ساخت از عرصه قدرتت بیرون رفت؛ پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا، [آنقدر بگویند تا نفس قطع گردد]

بِكَ عَرَفْتُكَ، وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ، وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ، وَلَوْ لَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي، وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي، وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ يَسْتَفْرِضُنِي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أُنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي، وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بَغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو غَيْرَهُ، وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي.

تو را به تو شناختم و تو مرا بر هستی خود راهنمایی کردی و به سوی خود خواندی و اگر راهنمایی تو نبود، من نمی‌دانستم تو که هستی، خدا را سپاس که می‌خوانمش و او پاسخم را می‌دهد، گرچه هنگامی که او مرا می‌خواند سستی می‌کنم و خدا را سپاس که از او درخواست می‌کنم و او به من عطا می‌نماید، گرچه بخل می‌ورزم هنگامی که از من قرض بخواهد و خدا را سپاس که هرگاه بخواهم برای حاجتم صدایش کنم و هر جا که برای رازونیا با او بخواهم بی‌پرده خلوت می‌کنم و او حاجتم را برآورد، خدا را سپاس که غیر او را نمی‌خوانم که اگر غیر او را می‌خواندم دعایم را مستجاب نمی‌کرد.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَرْجُوهُ لِأَرْجُوهُ غَيْرَهُ، وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي، وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ فَيُهَيِّبُونِي. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ، وَهُوَ عِنِّي عَنِّي، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَانَتْ لِي لَذَنبٌ لِي، فَارَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي، وَأَحَقُّ بِحَمْدِي.

و خدا را سپاس که به غیر او امید نبندم که اگر جز به او امید می‌بستم ناامیدم می‌کرد. و خدا را سپاس که مرا به خودش واگذاشت، از این رو به من رأفت و محبت کرد و به مردم وانگذاشت تا مرا خوار کنند و خدا را سپاس که با من دوستی ورزید، درحالی که از من بی‌نیاز است و خدا را سپاس که بر من بردباری می‌کند تا آنجا که گویی مرا گناهی نیست! پروردگارم ستوده‌ترین موجود نزد من بوده و به ستایش من سزاوارتر است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أجدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً، وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً، وَالْإِسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَلَكَ مُبَاهَةً، وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً. وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِينَ بِمَوْضِعِ إِبَابَةٍ، وَلِلْمَلْهُوفِينَ بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ، وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَيَّ جُودَكَ، وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ عَوْضًا مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ، وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأَثِرِينَ، وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ. وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْبِبَهُمُ الْأَعْمَالَ دُونَكَ.

خداوندا راه‌های درخواست حاجت‌هایم را به‌جانب تو باز می‌یابم و آبشخورهای امید را نزد تو پر می‌بینم و یاری خواستن از احسانت را برای آن که تو را آرزو کرد بی‌مانع می‌بینم و درهای دعا را برای فریاد کنندگان گشوده می‌نگرم و می‌دانم که تو برای امیدواران در جایگاه اجابتی و برای دل سوختگان در کمینگاه فریادرس هستی و به‌یقین در اشتیاق به جودت و خشنودی به قضایت جایگزینی از منع بخیلان است و گشایشی از آنچه در دست ثروت‌اندوزان است وجود ندارد و همانا مسافر به‌سوی تو مسافتش نزدیک است و تو از آفریدگانت هرگز در پرده نیستی، جز اینکه کردارشان آنان را از تو در پرده برده؛

وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي، وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي، وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِعَانَتِي، وَبِدُعَائِكَ تَوَسَّلْتُ مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي، وَلَا اسْتِيجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي، بَلْ لِيُثَقِّنِي بِكَرَمِكَ، وَسُكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ، وَلِجَائِي إِلَى الْإِفْرَارِ بِتَوْحِيدِكَ، وَيَقِينِي بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لَا رَبَّ لِي غَيْرُكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدَكَ لِشَرِيكَ لَكَ.

من با درخواستم آهنگ تو کردم و با حاجتم روی به تو آوردم، نیاز خواهی‌ام را به پیشگاه تو قرار دادم و خواندنت را دست‌آویز خویش کردم بی‌آنکه مستحق شنیدن خواهش‌م و سزاوار گذشت از من باشی، بلکه برای اطمینان به بزرگواری‌ات و آرامش به‌درستی وعده‌ات و پناه جستن به اقرار به یگانگی‌ات و یقین به معرفتت که مرا پروردگاری جز تو نیست و معبودی جز تو نیست، یگانه و بی‌شریکی.

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلِكَ حَقٌّ وَعُودُكَ صِدْقٌ: ﴿وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾، وَكَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ، وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ، وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنٍ رَأْفَتِكَ.

خداوندا تو گفته‌ای و گفتارت بر حق و وعده‌ات درست است [فرمودی]: «از خداوند [با کمک تقوا و کسب حلال] درخواست کنید از فضلش که خداوند به هر چیزی داناست»، ای آقای من در شأن تو این نیست که دستور به درخواست دهی و از بخشش خودداری کنی، تو با عطاهايت بر اهل مملکت بسیار کریمی و بر آنان با محبت و رأفت بسیار احسان کننده‌ای.

إِلَهِي رَبِّيْتِي فِي نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا، وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا، فَيَا مَنْ رَبَّانِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعْمِهِ، وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ، مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلَّتْنِي عَلَيْكَ، وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ، وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ، وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ.

خدای من، مرا در کودکی در میان نعمت‌ها و احسانت پروریدی و در بزرگسالی نامم را بلند آوازه ساختی، ای آن‌که مرا در دنیا به احسان و نعمت‌هایش پرورید و برایم در آخرت به گذشت و کرمش اشاره کرد، ای مولای من معرفتم راهنمایم به سوی تو و عشقم به تو واسطه‌ام به پیشگاه توست، من از دلیلم به دلالت تو مطمئن و از واسطه‌ام به شفاعت تو در آرامشم؛

أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ، رَبِّ أَنْاجِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ، أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِعًا خَائِفًا، إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ دُنُوبِي فَرِغْتُ، وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ، فَإِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرٌ رَاحِمٍ، وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ.

ای آقایم تو را به زبانی می‌خوانم که گناهش او را ناگویا کرده و با دلی با تو مناجات می‌کنم که جرمش او را هلاک ساخته، تو را می‌خوانم ای پروردگارم در حال هراس و اشتیاق و امید و بیم، مولای من هرگاه گناهانم را می‌بینم بی‌تاب می‌شوم و هرگاه کرمت را مشاهده می‌کنم، به طمع می‌افتم، پس اگر از من درگذری بهترین رحم‌کننده‌ای و اگر عذاب کنی ستم نکرده‌ای.

حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرَاتِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ - مَعَ إِتْيَانِي مَا تَكْرَهُ - جُودَكَ وَكَرَمَكَ، وَعَدَّتِي فِي شِدَّتِي - مَعَ قَلَّةِ حَيَاتِي مِنْكَ - رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ، وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تُخَيِّبَ بَيْنَ دَيْنٍ وَدَيْنٍ مُنِيَّتِي، فَحَقِّقْ رَجَائِي، وَاسْمَعْ دُعَائِي، يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ، وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ.

خدایا حجت من در گستاخی بر درخواست از تو، با ارتکاب آنچه از آن کراهت داری، جود و کرم توست و ذخیره‌ام در سختی‌ها با کمی حیا همانا رأفت و رحمت توست و امیدم بر آن است که بین حجت و ذخیره‌ام

آرزویم را نومید نکنی، پس امیدم را تحقق بخش و دعایم را بشنو، ای بهترین کسی که خواننده‌ای او را خوانده و برترین کسی که امیدواری به او امید بسته،

عَظْمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي، وَسَاءَ عَمَلِي، فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي، وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي، فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجُلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ، وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ، وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ، مُسْتَنْجِرٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا، وَمَا أَنَا يَا رَبُّ وَمَا خَطْرِي؟! هَبْنِي بِفَضْلِكَ، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ.

ای آقای من، آرزویم بزرگ شده و کردارم زشت گشته، پس به اندازه آرزویم از عفو تو به من ببخش و به زشت‌ترین کردارم مرا سرزنش مکن، زیرا کرمت برتر از کیفر گناه کاران و بردباری‌ات بزرگ‌تر از مکافات تبهکاران است؛ و من ای آقایم پناهنده به احسان توأم، گریزان از تو به سوی توأم، خواستار تحقق چیزی هستم که وعده کردی و آن گذشت تو از کسی که گمانش را به تو نیکو کرده، چه هستم من ای پروردگارم و اهمیت من چیست؟ به احسانت مرا ببخش و به گذشتت به من صدقه ده،

أَيُّ رَبِّ جَلَلَنِي بِسِتْرِكَ، وَأَعْفُ عَنْ تَوْبِيحِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ، فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرِكَ، مَا فَعَلْتَهُ، وَلَوْ خِفْتُ تَعَجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَاجْتِنَبْتُهُ، لَا لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ إِلَيَّ، وَأَخَفُ الْمُطَّلَعِينَ عَلَيَّ، بَلْ لِأَنَّكَ يَا رَبُّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ، وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ، وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ، سَتَّارُ الْعُيُوبِ، عَفَّارُ الذُّنُوبِ، عَلَامُ الْغُيُوبِ.

پروردگارا مرا به پرده پوشی‌ات بپوشان و از توبیخم به بزرگواری ذات درگذر، اگر امروز جز تو بر گناهم آگاه می‌شد، آن را انجام نمی‌دادم و اگر از زود رسیدن عقوبت می‌ترسیدم، از آن دوری می‌کردم، گناهم نه به این خاطر بود که تو سبک‌ترین بیندگانی و بی‌مقدارترین آگاهان، بلکه پروردگارا از این جهت بود که تو بهترین پرده‌پوش و حاکم‌ترین حاکمان و کریم‌ترین کریمانی، پوشنده عیب‌ها، آمرزنده گناهان، دانای نهران‌ها.

تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ، وَتُوَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ. وَيَحْمِلُنِي وَيَجْرِبُنِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ حِلْمَكَ عَنِّي، وَيَدْعُونِي إِلَى قِلَّةِ الْإِحْيَاءِ سَتْرِكَ عَلَيَّ، وَيُسْرِعُنِي إِلَى التَّوْبِ إِلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ، وَعَظِيمِ عَفْوِكَ، يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا غَافِرَ الذَّنْبِ، يَا قَابِلَ التَّوْبِ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ.

گناه را با بزرگواری‌ات می‌پوشانی و کیفر را با بردباری‌ات به تأخیر می‌اندازی، سپاس تو را سزاست بر بردباری‌ات پس از آنکه دانستی و بر گذشتت پس از آنکه توانستی، بردباری‌ات مرا به سوی گناه می‌کشد و بر نافرمانی‌ات

جرات می‌دهد، پرده‌پوشی‌ات بر من، مرا به کم‌حیایی می‌خواند و شناختم از رحمت گسترده و بزرگی عفو، به من در تاختن بر محرمات شتاب می‌دهد! ای شکبیا، ای گرامی، ای زنده، ای به خود پاینده، ای آمرزنده، ای توبه پذیر؛ ای بزرگ نعمت، ای دیرینه احسان.

أَيْنَ سِتْرِكَ الْجَمِيلِ؟ أَيْنَ عَفْوِكَ الْجَلِيلِ؟ أَيْنَ فَرْجِكَ الْقَرِيبِ؟ أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعِ؟ أَيْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ؟ أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةَ؟ أَيْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَنِيئَةَ؟ أَيْنَ صَنَائِعِكَ السَّيِّئَةَ؟ أَيْنَ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ؟ أَيْنَ مَتَكَ الْجَسِيمِ؟ أَيْنَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ؟ أَيْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمٍ؟ بِهِ فَاسْتَنْقِذْنِي، وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي.

پرده‌پوشی زیبایت کجاست؟ گذشت بزرگت کجاست؟ گشایش نزدیکت کجاست؟ فریادرسی سریع کجاست؟ رحمت گسترده‌ات کجاست؟ عطا‌های برترت کجاست؟ موهبت‌های گوارایت کجاست؟ جایزه‌های شایانت کجاست؟ احسان بزرگت کجاست؟ عطا‌ی عظیمت کجاست؟ احسان دیرینه‌ات کجاست؟ کرم کجاست؟ ای کریم، به حق کرمت مرا رهایی بخش و به رحمتت مرا خلاص کن؛

يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ، يَا مُنْعَمُ يَا مُفْضَلُ، لَسْنَا نَتَّكِلُ فِي النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا، بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا، لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، تَبْتَدِيءُ بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا، وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا، فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ! أَجْمِيلُ مَا تَنْشُرُ؟ أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ؟ أَمْ عَظِيمَ مَا أَلْبَيْتَ وَأَوْلَيْتَ؟ أَمْ كَثِيرَ مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعَاقَيْتَ؟

ای نیکوکار، ای زیباکار، ای نعمت‌ده، ای فزونی‌بخش، من آن نیستم که در رهایی از کیفیت بر اعمال‌مان تکیه کنم، بلکه به احسانت بر ما اعتماد دارم، چراکه تو اهل تقوا و مغفرتی، از باب نعمت‌دهی ابتدای به احسان می‌کنی و از جهت کرم از گناه در می‌گذری، پس نمی‌دانم از چه سپاس گویم! از زیبایی عملی که می‌گسترانی، یا کار زشتی که می‌پوشانی، یا بزرگ آزمونی که آزمودی و شایسته نیکی نمودی، یا آن همه مشکلی که مرا از آن رهانیدی و سلامت کامل بخشیدی؟!

يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ، وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَأَدَّ بِكَ وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ، أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسِيئُونَ، فَتَجَاوَزْ يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحَ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ، وَأَيُّ جَهْلٍ يَا رَبِّ لِأَيْسَعَهُ جُودُكَ؟ وَأَيُّ زَمَانٍ أَطُولُ مِنْ أَنْاتِكَ؟ وَمَا قَدْرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعْمِكَ؟ وَكَيْفَ نَسْتَكْتَرُ أَعْمَالًا نُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ؟ بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسَعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ؟ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ.

ای محبوب آن که به تو دوستی ورزید، ای نور چشم کسی که به تو پناه آورد و برای رسیدن به تو از دیگران گسست؛ تو نیکوکاری و ما بدکارانیم، به زیبایی آنچه نزد توست از زشتی آنچه پیش ماست درگذر، پروردگارا، کدام جهلی است که جود تو گنجایش آن را نداشته باشد؟ و کدام زمان، طولانی‌تر از مهلت دادن توست؟ در کنار نعمت‌های ارزش اعمال ما چیست؟ چگونه اعمال خود را بسیار انگاریم تا با آن‌ها با کرمت برابری کنیم؟ بلکه چگونه بر گنه‌کاران تنگ شود آنچه از رحمتت شامل‌شان شده؟ ای گسترده‌آمزش، ای گشاده‌دست به رحمت،

فَوْعِرَتَكَ يَا سَيِّدِي لَوْ اِنْتَهَرْتَنِي مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ، وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا اِنْتَهَى اِلَيَّْ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَاَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ، تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ، وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ، وَلَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ، وَلَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ، وَلَا تُشَارَكُ فِي اَمْرِكَ، وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ، وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ اَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ، لَكَ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

ای آقای من به عزّتت سوگند، اگر مرا برانی از درگاهت دور نخواهم شد و از چاپلوسی و تملق نسبت به تو دست نخواهم کشید، به خاطر شناختی که به جود و کرمت پیدا کرده‌ام، تو انجام دهی آنچه را که خواهی، هرکه را بخواهی عذاب می‌کنی به هرچه که بخواهی و به هر صورتی که بخواهی و رحم می‌کنی هرکه را بخواهی، به هرچه که بخواهی و به هر کیفیت که بخواهی، از آنچه کنی بازخواست نشوی و در فرمانرواییات نزاع در نگیرد و کسی در کارت شریکت نگردد و در داوریات با تو هم‌اورد نشود و در تدبیرت احدی بر تو اعتراض نکند، آفرینش و فرمان ویژه توست، منزّه است خدا پروردگار جهانیان،

يَا رَبِّ هَذَا مَقَامٌ مَنْ لَدَا بِكَ، وَاَسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ، وَاَلْفَ اِحْسَانِكَ وَ نِعْمَتِكَ، وَاَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ، وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ، وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ، وَقَدْ تَوَقَّفْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ، وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ،

پروردگارا این است جایگاه کسی که به پناهت آمد و به کرمت پناهنده گشت و به احسان و نعمت‌های الفت جست، تویی آن سخاوتمندی که گذشتت به تنگی نمی‌رسد و احسانت کاهش نمی‌پذیرد و رحمتت کم نمی‌شود و به یقین از چشم‌پوشی دیرینت و احسان بزرگت و رحمت گسترده‌ات اعتماد کردیم،

اَفْتَرَاكَ يَا رَبِّ تُخَلِّفُ ظُنُونَنَا اَوْ تُخَيِّبُ اَمَانَنَا؟ كَلَّا يَا كَرِيمٌ فَلَيْسَ هَذَا ظَنُّنَا بِكَ، وَلَا هَذَا طَمَعُنَا فِيكَ. يَا رَبِّ اِنَّ لَنَا فِيكَ اَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا، اِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا عَصِيْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو اَنْ تَسْتَرَّ عَلَيْنَا، وَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو اَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا، فَحَقُّ رَجَاءِنَا يَا مَوْلَانَا، فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ بِاَعْمَالِنَا، وَلَكِنْ عَلِمْنَا فِينَا، وَعَلِمْنَا بِاَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا

عَنْكَ، حَتَّىٰ عَلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَإِنْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ، فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا، وَعَلَى الْمُذْنِبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ،

آیا ممکن است پروردگارا برخلاف گمان‌های ما به حضرتت رفتار کنی یا آرزوهای ما را نسبت به رحمتت نومی سازی؟! هرگز ای بزرگوار، چنین گمانی به تو نیست و طمع ما درباره تو این چنین نمی‌باشد، پروردگارا، ما را درباره تو آرزوی طولانی بسیاری است، ما را در حق تو امید بزرگی است، از تو نافرمانی کردیم و حال آنکه امیدواریم گناه را بر ما بپوشانی و تو را خواندیم و امیدواریم که برای ما اجابت کنی، مولای ما امیدمان را تحقق بخش، ما دانستیم که با کردارمان سزاوار چه خواهیم بود، ولی دانش تو درباره ما و آگاهی ما به اینکه ما را از درگاهت نمیرانی، گرچه ما سزاوار رحمت نیستیم ولی تو شایسته آنی که بر ما و بر گناهکاران به احسان گسترده‌ات جود کنی،

فَأَمْنٌ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَجُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ إِلَيْ نَيْلِكَ. يَا عَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا، وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنَا، وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا، ذُنُوبُنَا بَيْنَ يَدَيْكَ، نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَنَتُوبُ إِلَيْكَ. تَتَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَنُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ، خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ، وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ! وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ قَبِيحٍ، فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا بِنِعْمَتِكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْإِثْمِ، فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ، مُبْدئًا وَمُعِيدًا،

پس آن‌گونه که شایسته آنی بر ما منت گذار و بر ما جود کن که ما نیازمند به عطای تویم، ای بسیار آمرزنده، به نور تو هدایت شدیم و به فضل تو بی‌نیاز گشتیم و به نعمتت بامداد نمودیم و شامگاه کردیم، گناهان ما پیش روی توست، خداوندا از گناهان ما از تو آمرزش می‌خواهیم و به‌سوی تو باز می‌گردیم، تو با نعمت‌ها به ما مهر می‌ورزی و ما با گناهان با تو مقابله می‌کنیم، خیرت به‌سوی ما سرازیر است و بدی ما به‌سوی تو بالا می‌آید، همواره فرشته بزرگواری، از ما کردار زشت به‌سوی تو می‌آورد و این امر مانع نمی‌شود از اینکه ما را با نعمت‌هایت فراگیری و به عطاهای برجسته‌ات بر ما لطف و محبت کنی، منزهی تو، چه بردبار و بزرگ و کریمی، آغاز کننده به نیکی و تکرار کننده آنی؛

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَكَرَّمَ صَنَائِعُكَ وَفِعَالُكَ. أَنْتَ إِلَهِي أَوْسَعُ فَضْلًا وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَاسِمَنِي بِفِعْلِي وَخَطِيئَتِي، فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ، سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي.

نام‌های مقدس و ثنای عظیم و رفتارها و کردارهای کریمانه است، تو ای معبودم، احسانت گسترده‌تر و بردباری‌ات بزرگ‌تر از آن است که مرا به کردار ناپسند و خطاکاری‌ام بسنجی، پس گذشت، گذشت، گذشت، آقای من، آقای من، آقای من؛

اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ، وَأَعِدْنَا مِنْ سَخَطِكَ، وَأَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ، وَأَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ، وَارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ، وَارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ، وَتَوْفُقًا عَلَى مِلَّتِكَ، وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ، وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَزَيْتَنِي صَغِيرًا وَأَجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا، وَبِالسَّيِّئَاتِ عَفْوًا وَعُفْرَانًا.

ما را به ذکرت مشغول کن و از خشمت پناه ده و از عذابت نجات بخش و از مواهبت روزی کن و از فضلت بر ما مهربانی و لطف فرما و زیارت خانه‌ات و زیارت مرقد پیامبرت را روزی ما کن، صلوات و رحمت و مغفرت و رضوانت بر پیامبر و خاندانش، تو نزدیک و پاسخ‌دهنده هستی، عمل به طاعتت را روزی ما گردان و ما را بر دینت و بر روش پیامبرت (درود خدا بر او و خاندانش) بمیران. خداوندا، من و پدر و مادرم را بیمارز و به هر دوی آن‌ها رحم کن، چنان‌که مرا به گاه کودکی پروردند، احسان هردو را به احسان و بدی‌هایشان را به آمرزش پاداش ده.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا، ذَكِّرْنَا وَأُنْثَانَا، صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا، حُرَّنَا وَمَمْلُوكِنَا، كَذَّبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَصَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا، وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا.

خداوندا، مردان و زنان مؤمن را بیمارز، چه زنده و چه مرده آنان و بین ما و آنان با نیکی‌ها پیوند ده. خداوندا، بیمارز زنده و مرده ما را، حاضر و غائب ما را، مرد و زن ما را، کوچک و بزرگ ما را، آزاد و غیر آزاد ما را، برگشتگان از خدا دروغ گفتند و گمراه شدند، گمراهی دوری و زیان کردند، زبانی آشکار.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ، وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي، وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ جُنَّةً وَاقِيَةً بَاقِيَةً، وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا. اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ، وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ، وَاكْلَأْنِي بِكَلَائَتِكَ، وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ، وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأَلِيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تُخَلِّني يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ، وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ.

خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و برایم ختم به خیر فرما و مرا از آنچه بی‌قرارم کرده از کار دنیا و آخرتم کفایت کن و کسی که به من رحم نمی‌کند بر من چیره مساز و بر من از سوی خود نگهبانی همیشگی قرار ده و از من شایستگی آنچه را که به من لطف کردی مگیر و از فضلت روزی گسترده حلال پاکیزه نصیب من کن؛ خداوندا به نگهبانی‌ات مرا نگهبانی کن و به نگهداری‌ات مرا نگهدار و به پاسداری‌ات از من پاسداری کن و زیارت خانه‌ات را در این سال و در هر سال و زیارت مرقد پیامبرت و امامان (درود بر آنان) را روزی من کن، پروردگارا از این مشاهد برجسته و با مزیت و مواقف بس بارزش مرا محروم مساز.

اللَّهُمَّ تُبَّ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَغْصِيكَ، وَاللَّهِمَّ الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ، وَخَشِيَّتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.
 اللَّهُمَّ إِنِّي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ وَقُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ، أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نُعَاسًا إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ، وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاةَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ، وَمَالِي كُلُّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَحْتُ سَرِيرَتِي، وَقَرَّبَ مِنِّي مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي، عَرَضَتْ لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي، وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ!

خداوندا به من روی آور تا نافرمانی‌ات نکنم و خیر و عمل به آن و هراس از خودت را در شب و روز تا گاهی که زنده‌ام می‌داری ای پروردگار جهانیان به من الهام کن. خداوندا هرگاه گفتم مهیا و آماده شدم و در پیشگاهت به نماز ایستادم و با تو راز گفتم، چرتی بر من افکندی، آنگاه که وارد نماز شدم و حال راز گفتن را از من گرفتی آنگاه که با تو راز نیاز کردم، مرا چه شده؟ هرگاه گفتم نهانم شایسته شد و جایگاهم به جایگاه توبه‌کنندگان نزدیک گشت برایم گرفتاری پیش آمد، بر اثر آن گرفتاری پایم لغزید و میان من و خدمت به تو مانع شد!

سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي، وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي! أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخِفًّا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي! أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي! أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي! أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِتَعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي! أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَحَدَثْتَنِي! أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي! أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي أَلْفُ مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي! أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي! أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي وَجَرِيرَتِي كَافَيْتَنِي! أَوْ لَعَلَّكَ بِقَلَّةِ حَيَائِي مِنْكَ جَاوَزْتَنِي!

سرور من شاید مرا از درگاهت رانده‌ای و از خدمتت برکنار نموده‌ای! یا مرا دیده‌ای که حقت را سبک می‌شمارم پس از پیشگاهت دورم ساختی! یا شاید مرا روی گردان از خود مشاهده کردی، پس مرا مورد خشم قرار دادی! یا شاید مرا در جایگاه دروغ‌گویان یافتی، پس به دورم انداختی! یا شاید مرا نسبت به نعمت‌هایت ناسپاس دیدی، پس محرومم کردی! یا شاید مرا از هم‌نشینی دانشمندان غایب یافتی، پس خوارم نمودی! یا شاید مرا در گروه

بی‌خبران دیدی، پس از رحمت ناامیدم کردی! یا شاید مرا انس یافته با مجالس بیکاره‌ها دیدی، پس مرا به آنان واگذاشتی! یا شاید دوست نداشتی دعایم را بشنوی پس دورم نمودی! یا شاید به خاطر جرم و جنایتم کیفرم نمودی! یا شاید برای کمی حیایم از تو، مجازاتم نمودی!

فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ، فَطَالَمَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي، لِأَنَّ كَرَمَكَ -أَي رَّبِّ- يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ، وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ، وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ، مُتَّجِرٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا، إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا، وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَاسِنِي بِعَمَلِي، وَأَنْ تَسْتَزِلَّنِي بِخَطِيئَتِي، وَمَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطْرِي!

پس اگر پروردگارا گذشت کنی، سابقه اینکه از گناهکاران پیش از من گذشته‌ای طولانی است، زیرا کرمت پروردگارا از مجازات اهل تقصیر بسیار بزرگ‌تر است و من پناهنده به فضل توأم، از تو به تو گریزانم، خواهان چیزی هستم که وعده داده‌ای و آن چشم‌پوشی از کسانی است که به تو گمان نیک برده‌اند، خدای من فضل تو گسترده‌تر و بردباری‌ات بزرگ‌تر از آن است که مرا به کردارم بسنجی، یا به خطایم بلغزانی، ای آقای من چیستم و چه ارزشی دارم!

هَبْنِي بِفَضْلِكَ، وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ، أَي رَبِّ جَلَلَنِي بِسِتْرِكَ، وَاعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ. سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ، وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ، وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ، وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ، وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ، وَأَنَا الْجَائِعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ، وَأَنَا الْعَطْشَانُ الَّذِي أَرَوَيْتَهُ، وَأَنَا الْغَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ، وَأَنَا الْفَقِيرُ الَّذِي أَعْيَيْتَهُ، وَأَنَا الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَيْتَهُ، وَأَنَا الدَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ، وَأَنَا السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ، وَأَنَا السَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ، وَأَنَا الْمُذْنِبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ، وَأَنَا الْخَاطِئُ الَّذِي أَقَلْتَهُ،

مرا به فضلت بخش و باگذشتت بر من کرم کن ای پروردگارم به پرده‌پوشی‌ات خطاهایم را بپوشان و به بزرگواری و جودت از توبیخم درگذر، آقای من منم کودکی که پروریدی، منم نادانی که دانا نمودی، منم گمراهی که هدایت کردی، منم افتاده‌ای که بلندش نمودی، منم هراسانی که امانش دادی و گرسنه‌ای که سیرش نمودی و تشنه‌ای که سیرابش کردی و برهنه‌ای که لباسش پوشاندی و تهیدستی که توانگرش ساختی و ناتوانی که نیرومندش نمودی و خواری که عزیزش فرمودی و بیماری که شفایش دادی و خواهشمندی که عطایش کردی و گنه‌کاری که گناهش را بر او پوشاندی و خطاکاری که نادیده‌اش گرفتی،

وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثُرَتْهُ، وَأَنَا الْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ، وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي آوَيْتَهُ. أَنَا يَا رَبُّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ وَلَمْ أُرَاقِبْكَ فِي الْمَلَاءِ، أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى، أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَأَ، أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ، أَنَا الَّذِي أَعْطَيْتُ عَلَى الْجَلِيلِ الْمَعَاصِيَ الرَّشَاءَ، أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهِ أَسْعَى، أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ، وَسَتَرْتَ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ، وَعَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَّيْتُ، وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ فَمَا بَالَيْتُ.

و منم اندکی که بسیارش فرمودی و ناتوان شمرده‌ای که یاری‌اش دادی و رانده شده‌ای که مأوایش بخشیدی، من پروردگارا کسی هستم که در خلوت از تو حیا نکردم و در آشکار از تو ملاحظه نمودم، منم صاحب مصیبت‌های بزرگ، منم آن‌که بر آفایش گستاخی کرد، منم آن‌که جبار آسمان را نافرمانی کرد، منم آن‌که بر معاصی بزرگ رشوه دادم، منم آن‌که هرگاه به گناهی مزده داده می‌شدم شتابان به سویش می‌رفتم، منم آن‌که مهلتم دادی باز نایستادم و بر من پرده پوشاندی حیا نکردم و مرتکب گناهان شدم و از اندازه گذراندم، و مرا از چشمت انداختی، باک نکردم.

فَبِحِلْمِكَ أَمَهَلْتَنِي، وَبِسِتْرِكَ سَتَرْتَنِي، حَتَّى كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنِي، وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَبَبْتَنِي، حَتَّى كَأَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِي. إِلَهِي لَمْ أَعْصِكَ - حِينَ عَصَيْتَكَ - وَأَنَا لِرُبُوبِيَّتِكَ جَاحِدٌ، وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ، وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ، وَلَا لَوَعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ، وَلَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ، وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي، وَغَلَبَنِي هَوَايَ، وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي، وَغَرَّنِي سِتْرَكَ الْمُرْخِي عَلَيَّ، فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخَالَفْتُكَ بِجَهْدِي. فَالآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي؟ وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ غَدًا مَنْ يُخَلِّصُنِي؟ وَبِحَبْلِ مَنْ أَتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي؟

پس با بردباری‌ات مهلتم دادی و با پرده‌پوشی‌ات مرا پوشاندی تا آنجا که گویی مرا از یاد برده‌ای و از مجازات گناهان برکنارم داشته‌ای، گویا تو از من حیا کرده‌ای! خدای من آنگاه که نافرمانی کردم، نافرمانی‌ات نکردم چنان‌که منکر پروردگاری‌ات باشم و نه چنان‌که سبک شمارنده فرمانت باشم و نه با گستاخی در معرض کیفیت قرار گیرم و نه تهدیدت را ناچیز شمارم، ولی خطایی بود که بر من عارض شد و نفسم آن را برایم آراست و بدبختی‌ام مرا بر آن یاری نمود و پرده افتادها بر من مغرورم نمود، در نتیجه با کوششم نافرمانی‌ات کردم و به مخالفت برخاستم اکنون چه کسی مرا از عذابت نجات می‌دهد و فردا از چنگ ستیزه‌جویان و دشمنی‌کنندگان چه کسی رهایم می‌کند و به رشته چه کسی بپیوندم اگر تو رشته‌ات را از من بگسلی؛

فَوَا أَسْفًا عَلَيَّ مَا أَحْصَى كِتَابُكَ مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْلَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ، وَنَهْيِكَ إِيَّايَ عَنِ الْفُتُوطِ، لَفَنَطْتُ عِنْدَ مَا أَتَذَكَّرُهَا، يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ، وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ. اَللّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ اَتَّوَسَّلُ إِلَيْكَ، وَبِحِرْمَةِ

الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ، وَبِحُبِّي لِلنَّبِيِّ الْأُمِّيِّ، الْفُرَشِيِّ الْهَاشِمِيِّ، الْعَرَبِيِّ، التَّهَامِيِّ الْمَكِّيِّ، الْمَدَنِيِّ، أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ،
فَلَا تُوحِشِ اسْتِيْنَاسَ إِيمَانِي وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ،

پس افسوس بر آنچه کتاب تو (لوح محفوظ) از کردارم در شمار آورده، اگر امیدوار به کرم و فراوانی رحمت نبودم و اینکه مرا از ناامیدی نهی نموده‌ای، هرآینه ناامید می‌شدم به هنگامی که گناهانم را بیاد می‌آوردم، ای بهترین کسی که خواننده‌ای او را خواند و برترین کسی که امیدواری به او امید بست. خداوندا به پیمان اسلام به تو توسل می‌جویم و به حرمت قرآن بر تو تکیه می‌کنم و به محبت نسبت به پیامبر درس ناخوانده قریشی هاشمی عربی تهامی مکی مدنی، هم‌جواری نزد تو را امید می‌نمایم، پس انس ایمانی مرا در عرصه وحشت نینداز و پاداش مرا، پاداش کسی که غیر تو را عبادت کرده قرار مده؛

فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِالسِّنْتِهِمْ لِيَحْفَنُوا بِهِ دِمَاءَهُمْ، فَأَدْرَكُوا مَا أَمَلُوا، وَإِنَّا آمَنَّا بِكَ بِالسِّنْتِنَا وَقُلُوبِنَا، لِنَعْفُو عَنْهَا، فَأَدْرِكُنَا مَا أَمَلْنَا، وَتَبَّتْ رِجَاءُكَ فِي صُدُورِنَا، وَهَلْ لَاتُرِغُ قُلُوبِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿١﴾.
فَوَعِزَّتِكَ لَوْ أَنْتَهَرْتَنِي مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ، وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ، لِمَا أُلْهِمَ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ،
إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ، وَإِلَى مَنْ يَلْتَجِي الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ.

چه اینکه مردمی به زبان‌شان ایمان آوردند تا جان‌شان را به این وسیله حفظ کنند، پس به آنچه آرزو داشتند رسیدند و ما با زبان و دل‌مان به تو ایمان آوردیم تا از ما درگذری، پس ما را به آنچه آرزومندیم برسان و امیدت را در سینه‌های‌مان استوار کن و «دل‌های‌مان را پس از آنکه هدایت‌مان فرمودی منحرف مکن و از سوی خود ما را ببخش که تو بسیار بخشنده‌ای»، به عزتت سوگند اگر مرا برانی، از درگاهت نخواهم رفت و از چاپلوسی نسبت به تو باز نخواهم ایستاد، به خاطر الهامی که از معرفت به کرمت و گستردگی رحمتت به قلب من شده، بنده به‌سوی چه کسی جز مولایش می‌رود؟ و آفریده به چه کسی جز آفریدگارش پناه می‌برد؟

إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ وَمَنْعَتَنِي سَيْبِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ، وَدَلَلْتَ عَلَيَّ فَضَائِحِي عُيُونِ الْعِبَادِ، وَأَمَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ وَحَلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ، مَا قَطَعْتُ رِجَائِي مِنْكَ، وَلَا صَرَفْتُ وَجْهَ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ، وَلَا خَرَجَ حُبِّكَ مِنْ قَلْبِي، أَنَا لَا أَنْسَى أَيَادِيكَ عِنْدِي، وَسِتْرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا.

خدای من، اگر مرا با زنجیرها ببندی و عطایت را در میان مردم از من بازداری و بر رسوایی‌هایم دیدگان بندگان را بگشایی و مرا به‌سوی دوزخ فرمان دهی و بین من و نیکان حجاب شوی، امیدم را از تو نخواهم برید و آرزویم

را از عفو تو باز نخواهم گرداند و محبتت از قلبم بیرون نخواهد رفت، من فراوانی عطایت را نزد خود و پرده‌پوشی‌ات را در دار دنیا بر گناهانم فراموش نخواهم کرد.

سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْقُلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ، وَأَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي، فَقَدْ أَفْتَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالِ عُمْرِي، وَقَدْ نَزَلَتْ نَفْسِي مَنزِلَةَ الْآيسِينَ مِنَ الْخَيْرِ، فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالاً مِنِّي إِنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي؟ لَمْ أُمَهِّدْهُ لِرَفْدَتِي، وَلَمْ أَفْرِشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِصُجْعَتِي!

سرورم درود فرست بر محمد و آل محمد، خارج کن دوستی دنیا را از قلبم، و فراهم آور مرا و مصطفی، برگزیده‌ات از آفریدگانت، خاتم پیامبران، که درود خدا بر او و خاندانش باد، و مرا به مقام توبه به پیشگاهت برسان و بر گریه بر خودم مرا یاری ده، من عمرم را به امروز و فردا کردن و آرزوهای باطل نابود ساختم و اینک به جایگاه ناامیدان از خیر و صلاح فرود آمده‌ام، پس بدحال‌تر از من کیست؟ اگر من بر چنین حالی به قبرم وارد شوم، قبری که آن را برای خواب آماده نساختم‌ام و برای آرمیدن به کار نیک فرش ننموده‌ام!

وَمَا لِي لِأَبِي؟! وَلَا أَدْرِي إِلَىٰ مَا يَكُونُ مَصِيرِي، وَأَرَىٰ نَفْسِي تُخَادِعُنِي، وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي، وَقَدْ حَقَّقْتُ عِنْدَ رَأْسِي أَجِنِحَةَ الْمَوْتِ فَمَا لِي لِأَبِي! أَبِي لِيخْرُوجِ نَفْسِي، أَبِي لِيحُلُولِ رَمْسِي، أَبِي لِيظْلَمَةِ قَبْرِي، أَبِي لِيضِيقِ لِحْدِي، أَبِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ إِيَّايَ،

و مرا چه شده که گریه نکنم و حال آنکه نمی‌دانم بازگشت من به سوی چه خواهد بود، من نفسم را می‌نگرم که با من نیرنگ می‌بازد و روزگار را مشاهده می‌کنم که مرا می‌فریبد و حال آنکه بال‌های مرگ بالای سرم به حرکت درآمده، پس مرا چه شده که گریه نکنم، گریه می‌کنم برای بیرون رفتن جان از بدنم، گریه می‌کنم برای وارد شدن به قبرم، گریه می‌کنم برای تاریکی قبرم، گریه می‌کنم برای تنگی لحدم، گریه می‌کنم برای پرسش دو فرشته قبر منکر و نکیر از من؛

أَبِي لِيخْرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْيَانًا ذَلِيلًا، حَامِلًا ثِقْلِي عَلَى ظَهْرِي، أَنْظُرُ مَرَّةً عَنِ يَمِينِي، وَمَرَّةً عَنِ شِمَالِي، إِذِ الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي، ﴿لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ * وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَاكَّةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ * وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ * تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ﴾ وَذِلَّةٌ.

گریه می‌کنم برای درآمدنم از قبر عریان و خوار، درحالی‌که بار سنگینی را بر دوش می‌کشم، یک بار از طرف راست و بار دیگر از جانب چپم نگاه می‌کنم، به خاطر این‌که مردمان در کاری جز کار من‌اند، «در آن روز هرکس از آنان را گرفتاری و کاری است که برای او [از اینکه نتواند به کار دیگر پردازد] بس است؛ در آن روز چهره‌هایی درخشان و نورانی است؛ خندان و خوش‌حال و چهره‌هایی در آن روز غبار [تیره‌بختی] بر آن‌ها نشسته؛ سیاهی و ذلت آن‌ها را پوشانده.»

سَيِّدِي عَلَيْنِكَ مُعْتَمِدِي وَمَعْوَلِي، وَرَجَائِي وَتَوَكُّلِي، وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي، تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَّيْتِ مِنَ الشُّرْكِ قَلْبِي، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي. أَفَلَيْسَانِي هَذَا الْكَالُ أَشْكُرُكَ؟! أَمْ بِغَايَةِ جُهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ؟! وَمَا قَدَّرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ؟ وَمَا قَدَّرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ؟ إِلَّا أَنْ جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي، وَشُكْرَكَ قَبَلَ عَمَلِي.

ای آقای من، تکیه و اعتمادم و امید و توکل‌م بر تو، آویختنم به رحمت توست، هرکه را خواهی به رحمت رسانی و با بخشندگی‌ات هرکه را دوست داری هدایت کنی، پس تو را سپاس بر اینکه قلبم را از شرک پاک کردی و برای تو سپاس بر گشودن زبانم، آیا با این زبان کندم تو را شکر کنم، یا با نهایت کوشش در کارم تو را خشنود نمایم؛ پروردگارا، ارزش زبانم در کنار شکر است و قیمت کارم در برابر نعمت‌هایت و احسانت چه اندازه است؟! خدایا، جودت آرزویم را گسترد و سپاست عملم را پذیرفت.

سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي، وَمِنْكَ رَهْبَتِي، وَإِلَيْكَ تَأْمِينِي، وَقَدْ سَأَفِي إِلَيْكَ أَمَلِي، وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكَفْتُ هِمَّتِي، وَفِي مَا عِنْدَكَ انْبَسَطْتُ رَغْبَتِي، وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي، وَبِكَ أَنْسَتْ مَحَبَّتِي، وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ بِيَدِي، وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي.

ای آقای من میل‌م به‌سوی توست و ترسم از سوی توست و آرزویم به پیشگاه توست، آرزویم مرا به‌سوی تو کشانده و هم‌تم به درگاه تو ای یگانه من سرگرم و مشغول شده و رغبت‌م در آنچه نزد توست فزونی یافته، امید خالص و بیم‌م برای توست و محبت‌م به تو انس گرفته و دست‌م را به‌سوی تو انداختم و ترسم را به‌سوی رشته طاعت تو کشیدم.

يَا مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي، وَبِمُنَاجَاتِكَ بَرَدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي، يَا مَوْلَايَ يَا مُؤَمِّلِي وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي، فَرَّقُ بَيْنِي وَبَيْنَ ذَنْبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ، فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ لَكَ، وَعَظِيمِ الطَّمَعِ فِيكَ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ

عَلَى نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ، فَالْأَمْرُ لَكَ وَحَدَكَ، وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ، وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ، تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ؛

ای مولای من دلم به یاد تو زندگی کرد و با مناجات با تو آتش هراس را بر خود سرد نمودم، ای مولایم و ای آرزویم و ای نهایت خواسته‌ام، میان من و گناه‌ها جدایی انداز، گناهی که بازدارنده من از پایبندی به طاعت توست، تنها از تو درخواست می‌کنم، به خاطر امید دیرینه به تو و بزرگی طمع از تو که از مهر و رحمت بر خود واجب کرده‌ای، پس فرمان تورااست، یگانه‌ای و شریکی نداری و همه مخلوقات جیره‌خوار تو و در دست قدرت تو اند و هر چیز برای تو فروتن است، منزه‌ی تو ای پروردگار جهانیان؛

إِلَهِي ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي، وَكَلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي، وَطَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكَ إِيَّايَ ثُبِّي، فَيَا عَظِيمًا يُرْجَى لِكُلِّ عَظِيمٍ، أَنْتَ رَجَائِي فَلَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي، وَلَا تُرْذِنِي لِجَهْلِي، وَلَا تَمْنَعْنِي لِقَلَّةِ صَبْرِي، أَعْطِنِي لِفَقْرِي، وَارْحَمْنِي لِضَعْفِي.

خدای من به من رحم کن آنگاه که دلیل و حجتم بریده شود و زبانم از پاسخت کند گردد و به هنگام بازپرسی‌ات هوش از سرم برود، ای بزرگ امیدم، زمانی که بیچارگی‌ام شدت گیرد محرومم مکن و به خاطر نادانی‌ام از درگاهت مران و به علت کم تاب‌ی‌ام از رحمتت دریغ مفرما، به جهت تهیدستی‌ام عطایم کن و به خاطر ناتوانی‌ام به من رحم کن،

سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَمُعَوَّلِي وَرَجَائِي وَتَوَكُّلِي، وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقَنِي وَبِفِنَائِكَ أَحْطُ رَحْلِي، وَبِجُودِكَ أَقْصُرُ طَلِبَتِي، وَبِكَرَمِكَ -أَيُّ رَبِّ- أَسْتَفْتِي دُعَائِي، وَلَدَيْكَ أَرْجُو سَدَّ فَاقَتِي، وَبِعِزَّتِكَ أَجْبُرُ عَيْتِي، وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي، وَإِلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَرْفَعُ بَصْرِي، وَإِلَى مَعْرُوفِكَ أُدِيمُ نَظْرِي، فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي، وَلَا تُسَكِّنِي الْهَاطِيَةَ فَإِنَّكَ قَرَّةُ عَيْنِي، يَا سَيِّدِي لَا تُكْذِبْ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ، فَإِنَّكَ نِفْتِي، وَلَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَكَ فَإِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي.

آقایم اعتماد و تکیه، امید و توکل بر توست و آویختنم به رحمت توست و بارم را به آستان تو اندازم و خواسته‌ام را به وسیله جود و کرم تو جویم، پروردگارا دعایم را آغاز می‌کنم و رفع تنگدستی‌ام را به تو امید می‌بندم و به توانگری تو ناداری‌ام را جبران می‌کنم و ایستادنم زیر سایه عفو توست و به جانب جود و کرمت دیده‌ام را بلند می‌کنم و به سوی احسانت نگاهم را ادامه می‌دهم؛ پس مرا به آتش مسوزان و حال آنکه تو جایگاه آرزوی منی و در دوزخ جایم مده زیرا که تو نور چشم منی، ای آقای من گمانم را به احسان و نیکی‌ات متهم به دروغ مکن که تویی مورد اطمینانم و از پاداشت محرومم مگردان که تو عارف به تهیدستی منی،

إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ عَمَلِي، فَقَدْ جَعَلْتَ الْإِعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذُنُوبِي وَسَائِلَ عَلَيَّ، إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ؟ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ؟ إِرْحَمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي، وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي، وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي، وَفِي اللَّحْدِ وَحَشَتِي، وَإِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذَلَّ مَوْقِفِي فَأَغْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَنِّي الْأَدَمِيِّينَ مِنْ عَمَلِي؛ وَأَدِّمْ لِي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي، وَارْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَى الْفِرَاشِ ثَقَلْتَنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي،

خدای من، اگر مرگم فرا رسیده و کردارم مرا به تو نزدیک نکرده پس اقرار به گناهم را به پیشگاهت وسیله عذرخواهی ام قرار دادم. خدای من، اگر گذشت کنی، پس سزاوارتر از وجود تو به گذشت کیست و اگر عذاب کنی پس دادگتر از تو در داوری کیست؟ در این دنیا به غربت و به گاه مرگ به سختی جان دادم و در قبر به تنهایی ام و در لحد به هراسم رحم کن و زمانی که برای حساب در برابرت برانگیخته شدم به خواری جایگاهم رحمت آور و آنچه از کردارم بر انسانها پوشیده مانده بیامرز؛ و آنچه را که مرا به آن پوشاندی تداوم بخش و به من در حال افتادن در بستر مرگ که دستهای دوستانم مرا این طرف و آن طرف کند رحم کن،

وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُوداً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُعَسِّلُنِي صَالِحِ جِبْرِتِي، وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي، وَجُدْ عَلَيَّ مَنقُولاً قَدْ نَزَلَتْ بِكَ وَحِيداً فِي حُفْرَتِي، وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ غُرْبَتِي حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ يَا سَيِّدِي، فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي هَلَكْتُ.

و به من محبت فرما در آن حال که روی تخت غسل خانه به صورت درازا افتاده ام و همسایگان شایسته مرا به این سو و آن سو برمی گردانند و به من مهرورزی کن در وقت حمل شدنم که بستگانم گوشه های جنازهم را به دوش برداشته اند و در حالت حمل شدنم که تنها در قبرم وارد پیشگاه تو شده ام به من نیکی و بخشش کن و در این خانه جدید بر غربتم رحمت آور تا آن که به غیر تو انس نگیرم ای آقای من، اگر مرا به خودم واگذاری هلاک شوم.

سَيِّدِي فَبِمَنْ أَسْتَعِيثُ إِنْ لَمْ تُقَلِّبْ عَثْرَتِي؟ وَإِلَى مَنْ أَفْرَعُ إِنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي ضَجْعَتِي؟ وَإِلَى مَنْ أَلْتَجِي إِنْ لَمْ تُنْفَسْ كُرْبَتِي؟ سَيِّدِي مَنْ لِي وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي؟ وَفَضَّلْ مَنْ أُوْمَلُ إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي؟ وَإِلَى مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى أَجَلِي؟ سَيِّدِي لِأَتَعُدُّبَنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ.

ای آقای من، اگر لغزشم را فسخ نکنی و نادیده نگیری از چه کسی فریادرسی خواهم و به چه کسی پناه ببرم اگر توجهم را در آرامگاهم نداشته باشم و به چه کسی پناه برم اگر غم و اندوهم را برطرف نکنی؟ ای آقای من، که را دارم و چه کسی بر من رحم می کند، اگر تو به من رحم نکنی و احسان که را آرزو کنم، اگر احسان تو را

روز بیچارگی ام نداشته باشم و گریز از گناهان به سوی کیست، وقتی که عمرم سرآید؟ ای آقای من، مرا عذاب مکن که به تو امید دارم.

إِلَهِي حَقُّ رَجَائِي، وَأَمِنْ خَوْفِي، فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لِأَرْجُو فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ. سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لِأَسْتَحِقُّ، وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، فَاغْفِرْ لِي وَأَلْبِسْنِي مِنْ نَظْرِكَ ثَوْبًا يُعْطَى عَلَيَّ التَّيْبَعَاتِ، وَتَغْفِرْهَا لِي وَلَا أُطَالِبُ بِهَا إِنَّكَ ذُو مَنْ قَدِيمٍ، وَصَفْحٍ عَظِيمٍ، وَتَجَاوُزٍ كَرِيمٍ.

خدای من امیدم را تحقق بخش و ترسم را ایمنی ده، زیرا من در عین فراوانی گناهانم امیدی جز به گذشت تو ندارم؛ ای آقای من، چیزی را از تو درخواست دارم که شایسته آن نیستم و تو اهل تقوا و آمرزشی، پس مرا بیامرزش و جامه ای از نگاه لطفت بر من بپوشان که گناهانم را بر من بپوشاند و آن‌ها را بیامرزش و نسبت به آن‌ها بازخواست نشوم که تو دارای کرم دیرینه و چشم‌پوشی بزرگ و گذشت کریمانه‌ای.

إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَيِّئَكَ عَلَيَّ مَنْ لَا يُسْأَلُكَ، وَعَلَى الْجَاهِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، فَكَيْفَ سَيِّدِي بِمَنْ سَأَلَكَ وَأَيَّفَنَ أَنَّ الْخَلْقَ لَكَ وَالْأَمْرُ إِلَيْكَ؟ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. سَيِّدِي عَبْدُكَ بِبَابِكَ أَقَامَتْهُ الْخُصَاةُ بَيْنَ يَدَيْكَ، يَقْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ، وَيَسْتَعِظُ جَمِيلَ نَظْرِكَ بِمَكْنُونِ رَجَائِهِ، فَلَا تُعْرِضْ بَوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي، وَاقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ، فَقَدْ دَعَوْتُكَ بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَأَنَا أَرْجُو أَنْ لَا تُرَدِّدَنِي مَعْرِفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ.

خدای من، تویی که عطایت را پی‌درپی فروریزی، بر کسی که از تو درخواست نمی‌کند و بر آنان که منکر پروردگاری‌ات هستند، چه رسد آقای من بر کسی که از تو خواهش کرده و یقین نموده که آفرینش از تو و فرمان فقط به دست توست، منزّه و والایی ای پروردگار جهانیان، ای آقای من، بنده‌ات به درگاه توست، تنگدستی او را پیش رویت قرار داده، با دعایش در خانه احسانت را می‌کوبد، و نگاه زیباییت را به باطن امید به تو جلب می‌کند، پس روی کریمانه‌ات را از من برمگردان و آنچه می‌گویم از من بپذیر، من تو را به این دعا خواندم، امید دارم که به خاطر شناختم به رأفت و مهترت مرا باز نگردانی.

إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يُخْفِيكَ سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ، أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ، اَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا، وَفَرَجًا قَرِيبًا، وَقَوْلًا صَادِقًا، وَأَجْرًا عَظِيمًا، أَسْأَلُكَ يَا رَبَّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ.

خدای من تویی آن‌که خواهش کننده‌ای ناتوانت نکند و عطاگیرنده‌ای از تو نکاهد، تو چنانی که خود گویی و بالاتر از آنچه ما می‌گوییم؛ خداوندا، از تو شکیبایی زیبا و گشایشی نزدیک و گفتاری درست و مزدی بزرگ

درخواست می‌کنم؛ پروردگارا از خیر و خوبی تماش را از تو می‌خواهم، آنچه را از آن دانسته‌ام و آنچه را ندانسته‌ام.

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَأَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَالِدِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي حُزَانَتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ، وَأَرْغِدْ عَيْشِي، وَأَظْهِرْ مُرُوتِي، وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمُرُهُ، وَحَسَّنَتْ عَمَلَهُ، وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ، وَرَضِيتَ عَنْهُ، وَأَحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَأَسْبَغِ الْكِرَامَةَ، وَأَتَمِّ الْعَيْشِ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَلَا تَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ.

خداوندا از تو می‌خواهم بهترین چیزهایی را که بندگان شایسته‌ات از تو خواستند، ای بهترین کسی که از او خواسته می‌شود و سخی‌ترین کسی که عطا می‌کند، خواسته‌ام را در حق خودم و خانواده‌ام و پدر و مادرم و فرزندانم و خاصانم و برادران دینی‌ام به من عطا کن، زندگی‌ام را گوارا گردان، جوانمردی‌ام را آشکار ساز و همه احوالم را اصلاح کن و مرا از کسانی قرار ده که عمرش را طولانی کردی و کردارش را نیکو ساختی و نعمتت را بر او تمام کردی و از او خشنود شدی و او را به زندگانی پاکیزه زنده داشتی، در بادوام‌ترین خوشی‌ها و کامل‌ترین کرامت‌ها و کامل‌ترین زندگی‌ها، همانا تو هرچه را بخواهی انجام می‌دهی و جز تو هرچه را بخواهد توان انجام آن را ندارد.

اللَّهُمَّ خُصِّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ، وَلَا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَيْكَ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْرَاءً وَلَا بَطْرًا، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ.

خداوندا، از سوی خود مرا به ذکر ویژه‌ات اختصاص ده و چیزی از آنچه را که به وسیله آن به تو تقرب می‌جویم در همه اوقات شب و روز وسیله ریا و شهرت خواهی و هوسرانی و طغیانگری قرار مده و مرا از خاکساران درگاہت بگردان.

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ، وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ، وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ وَالْمَقَامِ فِي نِعْمِكَ عِنْدِي، وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ، وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ، وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ، وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَتَنْزَلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَمَا أَنْتَ مُنْزَلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، وَعَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا، وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا، وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا، وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا،

خداوندا به من عطا کن گشایش در روزی، امنیت در وطن، نور چشم در خانواده و مال و اولاد و پایداری در نعمت‌هایی که نزد من است و تندرستی در جسم و توانمندی در بدن و سلامت در دین و مرا به طاعت و طاعت رسول محمد که درود خدا بر او و خاندانش باد، به کار گمار، همیشه و تا هنگامی که عمرم داده‌ای و مرا از پر نصیب‌ترین بندگان در نزد خود قرار ده، پر نصیب‌تر در هر خیری که فرو فرستادی و در ماه رمضان در شب قدر نازل می‌کنی و نازل کننده آنی در هر سال، از رحمتی که می‌گسترانی‌اش و عافیتی که می‌پوشانی و بلایی که دفع می‌کنی و خوبی‌هایی که می‌پذیری و بدی‌هایی که از آن درمی‌گذری؛

وَأَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ، وَأَرْزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ، وَأَصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَءَ، وَأَقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَالظُّلُمَاتِ حَتَّى لَا أَتَأَذَى بِشَيْءٍ مِنْهُ، وَخُذْ عَنِّي بِأَسْمَاعِ أَضْدَادِي، وَأَبْصَارِ أَعْدَائِي وَحُسَادِي وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ، وَأَنْصُرْنِي عَلَيْهِمْ، وَأَقِرَّ عَيْنِي، وَفَرِّحْ قَلْبِي، وَحَقِّقْ ظَنِّي،

و در این سال و هر سال زیارت خانه‌ات را نصیبم فرما و از احسان گسترده‌ات روزی فراخ ارزانی من کن و بدی‌ها را ای آقای من از من برگردان و بدهی مرا بپرداز و جبران ستم‌هایی که بر عهده من است را ادا کن تا به خاطر چیزی از آن‌ها آزار نبینم و گوش‌ها و دیدگان دشمنان و حسودان و متجاوزان بر من را از من برگیر و مرا بر آنان پیروز کن و چشمم را روشن فرما و دلم را شادی بخش؛

وَأَجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي قَرَجًا وَمَخْرَجًا. وَأَجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمِي، وَاكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ، وَشَرَّ السُّلْطَانِ، وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا، وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ، وَأَلْحِقْنِي بِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

و برایم از اندوه و غم گشایش و برون‌رفت قرار ده و هرکه از میان مخلوقات نسبت به من قصد بدی کرده، زیر گامم قرار ده و مرا از گزند شیطان و گزند پادشاه و بدی‌های کردارم بازدار و از همه گناهان پاکم کن و به گذشتت از آتش امانم ده و به رحمتت به بهشت واردم کن و به احسانت از حورالعین به همسری‌ام درآور و مرا به دوستان شایسته‌ات محمد و خاندانش آن خوبان و نیکان پاکیزه و پاک ملحق کن، درود بر آنان و بر جان‌ها و بدن‌هایشان و رحمت خدا و برکاتش بر ایشان.

إِلَهِي وَسَيِّدِي، وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَيْسَ طَالِبْتَنِي بِذُنُوبِي لِأَطَالِبْتَنِكَ بِعَفْوِكَ، وَلَيْسَ طَالِبْتَنِي بِلُؤْمِي لِأَطَالِبْتَنِكَ بِكَرَمِكَ، وَلَيْسَ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لِأَخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ،

خدای من و سرورم، به توانمندی و بزرگی‌ات سوگند، اگر مرا به گناهانم پی‌جویی کنی، من تو را به عفو
پی‌جویی می‌کنم و اگر مرا به پستی‌ام تعقیب نمایی، من تو را به بذل توجهت تعقیب می‌کنم و اگر به دوزخ
دراندازی اهل دوزخ را به محبتم به تو آگاه می‌سازم.

إِلَهِي وَسَيِّدِي، إِنْ كُنْتَ لِاتَّغْفِرَ إِلَّا لِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، فَإِلَى مَنْ يَفْرَعُ الْمُذْنِبُونَ؟ وَإِنْ كُنْتَ لِاتَّكْرِمَ إِلَّا أَهْلَ
الْوَفَاءِ بِكَ، فَبِمَنْ يَسْتَعِيثُ الْمُسِيئُونَ؟ إِلَهِي إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذَلِكَ سُرُورٌ عَدُوِّكَ، وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفِي
ذَلِكَ سُرُورٌ نَبِيِّكَ، وَأَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ،

خدای من و سرورم، اگر جز اولیا و اهل طاعتت را نیامرزی، پس گناه‌کاران به چه کسی پناه برند؟ و اگر جز اهل
وفا را گرامی نداری، پس بدکاران از چه کسی فریادرسی خواهند؟ خدای من اگر مرا وارد دوزخ کنی این موجب
خرسندی دشمن توست و اگر مرا به بهشت وارد نمایی، این سبب خوشحالی پیامبر توست و من به خدا سوگند
این را می‌دانم که دلشادی پیامبرت نزد تو، از خرسندی دشمنت محبوب‌تر است،

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ، وَخَشْيَةً مِنْكَ، وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ، وَإِيمَانًا بِكَ، وَفِرْقًا مِنْكَ، وَشَوْقًا إِلَيْكَ، يَا ذَا
الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ حَبِّ إِلَى لِقَاءِكَ، وَأَحِبِّ لِقَائِي، وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ.

خداوندا از تو درخواست می‌کنم که دلم را از محبت و ترست و باور به کتابت و ایمان به وجودت و هراس از
حضرتت و اشتیاق به ذات پر کنی، ای دارای بزرگی و رأفت و محبت، لقاوت را محبوب من کن و تو نیز لقاء
مرا محبوب خود ساز و در لقاوت برای من آرامش و گشایش و کرامت قرار ده.

اللَّهُمَّ أَلْحِقْنِي بِصَالِحٍ مَنْ مَضَى، وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحٍ مَنْ بَقِيَ، وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ، وَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِي بِيَمَا
تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ، وَاخْتِمِ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ، وَاجْعَلْ نَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،
وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحٍ مَا أُعْطَيْتَنِي، وَتَبَّتْ نِي يَارَبِّ وَلَا تُرَدَّنِي فِي سُوءِ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

خداوندا مرا به شایستگان از بندگان گذشته‌ات ملحق ساز و از شایستگان از آنان که در آینده‌اند قرار ده و مرا
بر راه شایستگان نگاهدار و بر مخالفت با خواسته‌های نفسم یاری ده، آن‌گونه که شایستگان را بر مخالفت با
خواسته‌های نفسانی‌شان یاری می‌دهی و کردارم را به نیکوترین وجه پایان ده و پاداشم را در کارها به برکت
رحمتت بهشت قرار ده ای مهربان‌ترین مهربانان، و بر شایستگی آنچه عطا کردی یاری‌ام نما و ثابت قدم کن،
پروردگارا و در ورطه بدی‌هایی که از آنها نجاتم دادی باز مگردان، ای پروردگار جهانیان.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لِأَجَلٍ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ، أَحْسِنِي مَا أَحْسَبْتَنِي عَلَيْهِ، وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ، وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ، وَابْرَأْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشُّكِّ، وَالسُّمْعَةَ فِي دِينِكَ حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ.

خداوندا ایمانی از تو درخواست می‌کنم که پایانی جز لقاء تو نداشته باشد، بر آن ایمان پایدارم بدار تا زنده ام می‌داری و بر آن بمیران زمانی که مرا می‌میرانی و بر آن برانگیز، هنگامی که مرا برمی‌انگیزی و دلم را از ریا و شک و شهرت‌خواهی در دینت پاک کن تا عملم برای تو خالص باشد.

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ، وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ، وَفِقْهًا فِي عِلْمِكَ، وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَوَرَعًا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَبَيِّضْ وَجْهِي بِنُورِكَ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ، وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

خداوندا مرا تیزبینی و فراست در دینت عطا کن، و فهم در حکمتت، و آگاهی در علمت و دو نصیب از رحمتت و پرهیزی که مرا از نافرمانی‌هایت بازدارد و رخسارم را به فروغ نورت سپید کن و شوقم را در آنچه نزد توست قرار ده و در راه خود و بر آئین پیامبرت (درود خدا بر او و خاندانش) بمیران.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسَلِ، وَالْهَمِّ وَالْحُزْنِ، وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَالْعَقْلَةِ، وَالْقَسْوَةِ، وَالذَّلَّةِ، وَالْمَسْكَنَةِ، وَالْفَقْرِ، وَالْفَاقَةِ، وَكُلِّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشِ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ. وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَاتَقْنَعُ، وَبَطْنٍ لَإِيْشَبُعُ، وَقَلْبٍ لَإِيْخْشَعُ، وَدُعَاءٍ لَإِيْسْمَعُ، وَعَمَلٍ لَإِيْنْفَعُ، وَصَلَاةٍ لَاتُرْفَعُ. وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبُّ عَلَى نَفْسِي وَوَلَدِي وَدِينِي وَمَالِي، وَعَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

خداوندا به تو پناه می‌آورم از کسالت و سرافکنندگی و اندوه و ترس و بخل و بی‌خبری و سنگدلی و ناداری و تهیدستی و بیچارگی و همه بلاها و زشتی‌های آشکار و پنهان و به تو پناه می‌آورم از درونی که قانع نمی‌شود و از شکمی که سیر نمی‌گردد و از قلبی که فروتنی نمی‌کند و دعایی که به اجابت نمی‌رسد و کرداری که سود نمی‌بخشد، و نمازی که بالا برده نشود، پروردگارا برای حفظ جان و دین و مال و آنچه نصیب من فرموده‌ای، از شیطان رانده شده به تو پناه می‌آورم، همانا تو شنوا و دانایی.

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَنْ يُجِيرَنِي مِنْكَ أَحَدٌ، وَ لَنْ أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِدًا، فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ، وَلَا تَرُدَّنِي بِهَلَكَةٍ، وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابٍ أَلِيمٍ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي، وَأَعْلِ ذِكْرِي، وَارْفَعْ دَرَجَتِي، وَحُطِّ وِزْرِي، وَلَا تَذْكَرْنِي بِخَطِيئَتِي،

وَأَجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي، وَثَوَابَ مَنْطِقِي، وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ، وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ، إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

خداوندا به یقین جز تو احدی مرا پناه نمی دهد و به جز تو پناهگاهی نمی یابم، پس هستی ام را در دامن عذابت قرار نده و به هلاکت و شکنجه دردناک بازمگردان. خداوندا از من بپذیر و نامم را پرآوازه کن و درجه ام را بالا ببر و بار گناهم را بریز و مرا به اشتباهم یاد مکن و پاداش به عبادت نشستن و گفتار و دعایم را خشنودی و بهشتت قرار ده، پروردگارا، همه آنچه را از تو خواستم به من عطا فرما و از احسانت بر من بیفز، من مشتاق توأم، ای پروردگار جهانیان.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ الْعَفْوَ، وَأَمَرْتَنَا أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا، وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا، فَأَعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا، وَأَمَرْتَنَا أَنْ لَا نُرَدَّ سَائِلًا عَنْ أُبُونَا، وَقَدْ جِئْتَنَا سَائِلًا، فَلَا تَرُدَّنِي إِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي، وَأَمَرْتَنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا، وَنَحْنُ أَرْفَاقُوكَ، فَأَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ.

خداوندا تو خود در قرآن فرمودی که از کسی که به ما ستم روا داشته گذشت کنیم و ما بر خود ستم ورزیدیم، پس از ما درگذر که حضرتت به گذشت از ما، شایسته تر از ماست و نیز فرمان دادی که تهیدستی را دست خالی از در خانه های مان نرانیم و من اکنون به گدایی از تو به درگاهت آمدم، پس مرا جز با روا شدن حاجتم باز نگردان و نیز به نیکی درباره بردگان مان امر فرمودی و هم اینک ما بردگان تویم، پس ما را از آتش دوزخ برهان.

يَا مَفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي، وَيَا عَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي، إِلَيْكَ فَرَعْتُ، وَبِكَ اسْتَعْتَيْتُ وَبِكَ لُدْتُ، لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ، فَأَعْنِي وَفَرِّجْ عَنِّي، يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ، اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَأَعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْعَفُورُ.

ای پناهگاهم به وقت غم و اندوه، ای فریادرسم به هنگام سختی، به تو پناه آوردم و از تو فریادرسی خواستم، به تو پناه آوردم و جز به تو پناه نمی آورم و جز از تو درخواست گشایش نمی کنم، پس به فریادم رس و گشایشی در کارم قرار ده، ای آنکه اندک را می پذیرد و از گناه فراوان می گذرد، از من عمل اندک را بپذیر و از گناه بسیارم درگذر، همانا تو مهربان و آمرزنده ای.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تَبَاشَرُ بِهِ قَلْبِي، وَيَقِينًا صَادِقًا حَتَّىٰ أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي، وَرَضْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خداوندا ایمانی از تو می‌خواهم که دلم آن را لمس کند و باور صادقانه‌ای که بدانم هرگز چیزی به من نمی‌رسد،
مگر آنچه تو برایم مقدر کردی و مرا از زندگی به آنچه نصیب فرمودی خوشنود بدار، ای مهربان‌ترین مهربانان.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer